

پاسخ به شبهات مهدویت

جبل المتین

لینک دانلود

بسم الله الرحمن الرحيم

شبكة جهاني ولايت 1390 / 02 / 04 :

موضوع: پاسخ به شبهات مهدويت

* * * *

توجه: غالب منابع ذکر شده ، از نرم افزار **مکتبه أهل البيت (عليهم السلام)** مي باشد.

آقاي محسني

قبل از اين که وارد بحث شويم ، اين اتفاقاتي که در منطقه به وجود آمده ، مخصوصاً اين هجومي که به مردم بحرین شده است را محکوم مي کنيم و از خداوند مي خواهيم که اين مسلمانان را ،

مخصوصاً شیعیان عزیزی که گرفتار شده اند را از دست این وهابیت نجات دهد. این وهابیت کارهایی را که در عصر توحش اتفاق می افتاد را تکرار می کنند و تجاوزات به عنفی که به مردم می شود ، امیدواریم خداوند فرجی حاصل بکند و مردم و شیعیان عزیز بحرن را نجات بدهد.

استاد حسینی قزوینی

در جهان امروز ، در جهان عصر ارتباطات می بینیم که وهابیت باز هم همان جنایاتی که در سال 1216 در کربلائی معلی مرتکب شدند و حرم سید الشهداء (علیه السلام) را ویران کردند و ضریح مطهرش را به غارت بردند ، امروز هم با یورش به مساجد و حسینیه ها در بحرن ، مساجد شیعیان را ویران می کنند و حسینیه ها را با خاک یکسان می کنند و حریم زنان را رعایت نمی کنند. این عمل وحشیانه است و شاید به وحشی ها هم توهین بشود. چون آنها این چنین هجوم ددمنشانه نسبت به هم نوعان خود ندارند.

من تأسف می خورم از آن آقایانی که برای خراب شدن يك مسجدی که به تقاضای خود اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان و زابل بود ، فریادشان ، گوش جبروتیان را کر کرد و در خطبه های نماز جمعه و در جلسات ، مجالس ، روزنامه ها و سایت های خود فریاد زدند که چرا مسجد اهل سنت را خراب کردید ، ولی امروز این آقایان ساکت هستند. اگر يك مسجد سنی خراب بشود ، جرم نابخشودنی است و باید تمام جن و انس به فریاد این آقایان پاسخ بدهند ، ولی اگر مسجدی از شیعه ویران بشود یا حسینیه ای با خاک یکسان شود و به حریم مردم تجاوز شود و حریم و حدود زنان رعایت نشود ، هیچ مسئله ای نیست. چون لوله های نفت عربستان سعودی در جیب اینها است و نمی توانند در این زمینه سخن بگویند و اگر سخن بگویند ، شاید خیلی از مسائل به هم بریزد. ولی ما

دوست داریم این آقایان نسبت به شیعه و سنی ، در هر کجای عالم که مورد ظلم واقع می شوند ،
عکس العمل نشان بدهند.

من واقعاً تشکر می کنم از دکتر احمد طیب شیخ **دانشگاه الأزهر** که خیلی مردانه جلوی جنایات
وهابیت ایستاد و آنها را محکوم کرد و از وهابیت به عنوان خوارج عصر تعبیر کرد.

ما نه تنها جنایات اینها را در بحرین محکوم می کنیم ، بلکه هرگونه جنایتی که به بشریت انجام می
شود ، این نسل کشی که امروز در لیبی ، مصر ، یمن و بحرین انجام می شود و در هر کجای عالم که
به حقوق بشر و انسانیت تجاوز می شود را هم محکوم می کنیم و از دیدگاه قرآن و أهل بیت (علیهم
السلام) محکوم است:

**وَمَنْ يَفْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا
عَظِيمًا**

و هر کسی فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند ، مجازات او دوزخ است که جاودانه در
آن می ماند و خداوند بر او غضب می کند و از رحمتش او را دور می سازد و عذاب عظیمی
برای او آماده ساخته است.

سوره نساء / آیه 93

ولی این را بدانند ، چه دولت عربستان سعودی و چه دیگر دولت ها که این قضایا می گذرد ، این سنت

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد ، مگر آنکه آنها خود را تغییر دهند.

سوره رعد / آیه 11

نتیجه ظلم و ستم ، جاودانه نیست و به تعبیر یکی از اعظم:

روي سرنیزه مي شود تکیه داد ، ولي روي سرنیزه نمي شود نشست.

الملك يبقي مع الكفر و لا يبقي مع الظلم.

حکومت با کفر مي ماند و دوام مي يابد ، ولي با ظلم و ستم باقي نمي ماند.

اینها یقین بدانند که مردم پیروز و موفق خواهند شد ، ولي وقتي آیندگان در تاريخ مي خوانند اين جنایات ، ظلم ها و نسل کشي ها را ، اوج نفرت و لعن خود را نثار آنها مي کنند و واقعاً مایه تأثر و تأسف است.

ما وارد بحث سياسي نمي شويم و بنا هم نداريم وارد شويم و اين موضوع هم ارتباطي به قضایاي

سیاسی ندارد و در هر کجای دنیا ، هر انسانی کشته می شود ، چه شیعه و سنی و چه مسیحی و یهودی ، از دیدگاه ما محکوم است. مادامی که انسان حریم خودش را حفظ کند و به حقوق دیگران تجاوز نکند و مرتکب گناهی که مستحق قتل است نشود ، حسی حق تعرض به او را ندارد.

* * * * *

آقای محسنی

در جلسات قبل ، کلیپ هایی را پخش کردیم و نسبت به شبهات آنها هم پاسخ داده شد. در این جلسه هم کلیپی را پخش می کنیم و پاسخ آن را از استاد حسینی قزوینی می شنویم:

پخش کلیپ

کارشناس:

وقتی امام حسن عسکری به رحمت حق پیوستند ، نه فرزندی داشتند و نه پسری داشتند و نه دختری داشتند که آن را به عنوان امامت معرفی کنند؛ باز هم پیروانش دچار شك و حیرت شدند که چه کار کنند. امام حسن عسکری تقریباً - اگر حافظه ام یاری کند - در سال 260 هجری در سامرا ایشان وفات کرد که هیچ گونه فرزندی ، نه دختر و نه پسر ، از خودشان به جا نگذاشتند. مورخان بزرگی برادران شیعه همانند نوبختی همان طور که عرض کرده در

کتاب **فَرَق شیعہ** ، و ؟. اشعري قمي در کتاب ؟. و هم جنين شيخ صدوق در کتاب **کمال الدين و المنة** این

مسائل را به طور مفصل ذکر کرده اند و نکته اي را که اینجا ذکر شده گفته:

إن جعفر بن علي الهادي أخا الحسن حاول أن يحوز كل ما تركه الإمام و لما وصل خبر وفاة الإمام بأمه و هي في المدينة خرجت حتي قدمت سر من رأي و ادعت الوصية و ثبت ذلك عند الفرق.

؟. اسم مادر را بنویسند ، یکی از کنیزکان امام حسن عسکری به نام صُغَیل و در بعضی روایات آمده به نام صُغَیل آمده ادعا کرد که من حامله هستم ، فرزندی از امام حسن عسکری در شکم من هست. پس قاضی دستور داد که میراث امام حسن عسکری را بین برادر و مادرش تقسیم نکنند ، تا این که حقیقت امر ادعای این صغیل خانم که ادعای حاملگی دارد ، روشن بشود و بعد از آن ارث را تقسیم بکنند.

مجری:

در روایت علماء معتقد به ظهور مهدی و آنهایی که از مهدی صحبت می کنند که غیب می داند و صفات خدایی هم دارد و وحی برای او نازل می شود ، بحث ما اینجا است.

[پایان کلیپ]

آقای محسنی

این آقای کارشناس ادعا کرد هنگامی که امام عسکری (علیه السلام) شهید شدند ، هیچ فرزند دختر یا پسری نداشت. گرچه شما در جلسات قبل ، احادیثی را فرمودید و اینها را ردّ کردند. اما این آقا ادعا کرد امام عسکری (علیه السلام) هیچ فرزندی ندارد و در سال 260 هجری فوت کرد. سپس ایشان قضیه کنیز را مطرح کردند.

لطف بفرمایید این شبهات را برای بینندگان عزیز پاسخ بفرمایید.

استاد حسینی قزوینی

ایشان در این برنامه خود چند مرتبه اشاره می کند که امام عسکری (علیه السلام) عقیم بوده است. من نمی دانم ایشان این مطلب را از کجا آورده است و از جیب کدام نجار و عطار و خیاط در آورده است که امام عسکری (علیه السلام) عقیم بوده است؟ آیا این مطلب را بزرگان اهل سنت مانند ذهبی و ابن اثیر و طبری یا دیگر کسانی که در علم رجال قلم فرسایی کرده اند ، گفته اند؟ یا نه ، این آقایان خواب نما شده اند؟

من جلسه قبل هم اشاره کردم که خود فخر رازی در **الشجرة المباركة في أنساب الطالبية** ، صفحه 78 و 79 صراحت دارد:

أما الحسن العسکری فله إبنان و بنتان ، أما الإبنان فأحدهما صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

امام عسکری 4 فرزند داشتند؛ 2 دختر و 2 پسر و یکی از پسرانش صاحب الزمان عجل الله
تعالی فرجه الشریف است.

روایتی را که ایشان از کتاب **کافی** می خواند ، کاملاً ضعیف است و ناقل روایت هم فردی است که
در خود روایت آمده:

و کان شدید النصب.

به شدت ناصبی بوده است.

الکافی للشیخ الكلینی ، ج 1 ، ص 503

ایشان أهل بیت (علیهم السلام) را نصب می کند و دشمن أهل بیت (علیهم السلام) و دشمن
حضرت علی (علیه السلام) هم منافق است و:

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ

سوره نساء / آیه 145

وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

آنچه را که ایشان ادعا می کند صیقل خانم ادعای حمل کرده ، دروغ محض است و این آقا اصلاً سواد خواندن ندارد و شیخ صدوق (ره) را تعبیر به صُدُوق می کند و «سُرُّ من رأی» را «سَرُّ من رأی» تعبیر می کند ، آن وقت می آید اظهار نظر می کند و این واقعاً مایه تأثر و تأسف است و يك شبکه جهانی باید دقت کند که صدها هزار نفر یا میلیون ها نفر این برنامه را تماشا می کنند و باید بدانند که در آشپزخانه یا در کنار کرسی و در کنار زن و بچه خود ننشسته اند که برای خودشان قصه تعریف می کنند. باید مقداری دقت کنند و این مطالبی را که علیه شیعه نقل می کنند ، احساس کنند افرادی هم هستند که حرف های اینها را نقد کنند و مشت اینها را باز کنند. آیا فردا بینندگان همین شبکه اعتراض نمی کنند که این چه حرف هایی است که می زنید؟! حداقل این آقایان به فکر و حیثیت شبکه خود باشند و این طور بی گدار به آب نزنند.

ایشان که می گوید: «صیقل خانم گفته است من حامله هستم» ، در خود روایت آمده است:

وَلَمْ يَزَلِ الَّذِينَ وُكِّلُوا بِحِفْظِ الْجَارِيَةِ الَّتِي تُوْهِمُ عَلَيْهَا الْحَمْلُ لَارْمِينَ حَتَّى تَبَيَّنَ بَطْلَانُ الْحَمْلِ

مأمورین حکومتی که توهم می کردند و گمان می کردند که این زن باردار است ، مراقب او بودند تا این که مشخص شد حملي در کار نبوده است.

این قضیه کاملاً واضح و روشن است و يك دروغی را از قول صُقيل یا صَيقل نقل می کند.

در همین کتاب **کافی** مرحوم شیخ کلینی (ره) بعد از این روایت يك باب مفصلي دارد با عنوان « **بابُ مَوْلِدِ الصَّاحِبِ (عليه السلام)** » و 31 روایت در رابطه با ولادت حضرت ولي عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) آورده است.

الكافي للشيخ الكليني ، ج 1 ، ص 514

هم چنین بعد از این باب ، در « **بابُ مَا جَاءَ فِي الْاِثْنِي عَشَرَ وَ التَّنْصُّ عَلَيْهِمْ (عليه السلام)** » از صفحه 525 تا صفحه 535، 20 روایت آورده که نام ائمه (عليهم السلام) در آنجا ذکر شده است و اینها کاملاً واضح و روشن است. إن شاء الله این حرف ایشان باعث شود که بینندگان عزیز بروند کتاب **کافی** را باز کنند و همین صفحه ای را که ایشان آدرس می دهد را ببینند. من احساس می کنم « **عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد** » و این باعث شد ما این بحث را باز کنیم. ما إن شاء الله این بحث را در نیمه شعبان پیگیری خواهیم کرد ، ولی چون بینندگان مرتب تماس می گرفتند که این حرف های بی اساس ایشان بی جواب نماند ، ما هم به این شبهات پاسخ می دهیم. چون بعضی ها این شبهات را در این ایام می شنوند و نیاز است که در همین ایام پاسخش را بشنوند.

* * * * *

آقای محسنی

آیا اسامی ائمه اطهار (عليهم السلام) در کتب شیعه و سنی بیان شده است؟

عزیزان دقت کنند که در کتاب های معتبر اهل سنت ، در کتاب های بعضی از شخصیت های برجسته اهل سنت این موضوع نقل شده است:

الف (اسامي ائمه (عليهم السلام) از زبان بزرگان اهل سنت

1. خوارزمي

آقاي خوارزمي که از او به **أخطب الخواطب** تعبير مي کنند و ذهبي و ديگران از او تجليل مي کنند ، نقل مي کند که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) فرمود:

در شبي که به معراج رفته بودم ، به سمت راست عرش نگاه کردم:

فنظرت فإذا علي و فاطمة و الحسن و الحسين و علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسي بن جعفر و علي بن موسي و محمد بن علي و علي بن محمد و الحسن بن علي و محمد المهدي بن الحسن كأنه كوكب دري بينهم و قال: يا محمد! هؤلاء حجبي علي عبادي و هم أوصياؤك و المهدي منهم ، الثائر من قاتل عترتك ، و عزتي و جلالتي! إنه المنتقم من أعدائي و الممد لأوليائي.

و دیدم که در آنجا نوشته شده است: **علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و دیدم که محمد المهدی بن حسن مانند ستاره ای درخشان است و خطاب آمد: ای محمد! آنها حجت های من بر بندگان من هستند و آنها جانشینان تو هستند و مهدی هم از آنهاست که انتقام گیرنده از قاتلین اهل بیت تو است. به عزت و جلال سوگند! او انتقام گیرنده از دشمنان من است و اولیاء مرا کمک می کند.**

مقتل الحسین للخوارزمي ، ص 95 ، ح 203. فرائد السمطين للجويني ، ج 2 ، ص 319 ، ح 571

2. جوینی

آقای جوینی - استاد ذهبی - از ابن عباس نقل می کند که يك يهودي به نام نعتل خدمت پیامبر (صلي الله عليه و سلم) آمد:

قدم يهودي يقال له نعتل ، فقال: يا محمد! أسألك عن أشياء تلجلج في صدري منذ حين ، فان أجبتي عنها أسلمت علي يدك ... فأخبرني عن وصيك من هو؟ فما من نبي إلا وله وصي و إن نبينا موسي بن عمران أوصي يوشع بن نون ، فقال: إن وصيي علي بن أبي طالب و بعده سبطاي الحسن و الحسين ، تتلوه تسعة أئمة من صلب الحسين ، قال: يا محمد! فسمهم لي ، قال: إذا مضي الحسين فابنه علي ، فإذا مضي علي فابنه محمد ، فإذا مضي محمد فابنه

جعفر ، فإذا مضي جعفر فابنه موسى ، فإذا مضي موسى فابنه علي ، فإذا مضي علي فابنه محمد ، فإذا مضي محمد فابنه علي ، فإذا مضي علي فابنه الحسن ، فإذا مضي الحسن فابنه الحجة محمد المهدي ، فهؤلاء إثنا عشر.

اي محمد! سؤالاتي در سینه دارم که مي خواهم از تو بپرسم که اگر جواب بدهي ، به دست تو مسلمان مي شوم. به من خبر بده که چه کسي جانشين تو است؟ چون هيچ پیامبري نبود ، مگر اين که جانشيني داشت و جانشين پیامبر ما موسي بن عمران هم يوشع بن نون بود. پیامبر (صلي الله عليه و سلم) فرمود: وصي من علي بن أبي طالب است و بعد از او دو فرزندش حسن و حسين هستند و بعد از آنها هم 9 امام از فرزندان حسين جانشينان من هستند. آن يهودي گفت: اي محمد! آن 9 امام را نام ببر. حضرت هم فرمود: بعد از حسين ، فرزندش علي است و بعد از علي ، فرزندش محمد است و بعد از محمد ، فرزندش جعفر است و بعد از جعفر ، فرزندش موسي است و بعد از موسي ، فرزندش علي است و بعد از علي ، فرزندش محمد است و بعد از محمد ، فرزندش علي است و بعد از علي ، فرزندش حسن است و بعد از حسن هم فرزندش محمد المهدي است؛ اينها 12 جانشين من هستند.

فرائد السمطين للجويني ، ج 2 ، ص 132 ، ح 431 - الفصول المهمة لابن صباغ المالكي ، ص 232

شما اين روايت را بگذاريد در کنار روايتي که در **صحيح بخاري** و **صحيح مسلم** است که پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) مي فرمايد:

خلفائي إثنا عشر.

ب (اسامی ائمه (علیهم السلام) از زبان بزرگان شیعه

بحث مهدویت از ضروریات مذهب شیعه است و انکار مهدویت ، از دیدگاه شیعه ، برابر با إرتداد است. یعنی اگر يك شیعه بخواهد وجود مقدس حضرت ولي عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) را انکار کند ، ما او را مرتدّ مي دانیم. البته این در رابطه با غیر شیعه جاری نیست و آقایان فوراً نگویند که چون أهل سنت منکر وجود حضرت مهدی (علیه السلام) است ، کافر هستند؛ خیر. کسی که شیعه باشد ، یعنی بعد از اثبات این که این 12 نفر اوصیاء نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) هستند ، آنها را انکار کند ، انکار اینها برمی گردد به انکار نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) و انکار نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) هم کفر و إرتداد است.

1. شیخ کلینی (ره)

از این 20 روایتی که مرحوم شیخ کلینی (ره) نقل کرده ، حدود 8 ، 9 روایت آن از نظر سندی کاملاً صحیح هستند. ایشان در کتاب **کافی** ، جلد 1 ، صفحه 527 ، حدیث 3 ، قضیه جابر و لوح حضرت

فاطمه زهراء (سلام الله عليها) را مفصل بيان مي کند که امام باقر (عليه السلام) مي فرمايد:

پدرم امام سجاد (عليه السلام) از جابر خواست آن لوح حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) را که در نزد او بود بياورد.

جابر هم رفت آن لوح را آورد و در آنجا أسماء ائمه (عليهم السلام) از أمير المؤمنين (عليه السلام) تا آقا حضرت ولي عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) در آنجا ثبت بود.

این روایت هم با مبنای شیعه ، از نظر سندی کاملاً صحیح است.

هم چنین در روایت اول که در **صفحه 525** آمده ، از أبو هاشم داود بن قاسم جعفري از امام جواد (عليه السلام) است و این روایت هم صحیح است.

روایت دوم هم که در **صفحه 526** آمده ، کاملاً صحیح است.

در **صفحه 527** ، **روایت 3** هم که روایت از أبو بصیر است ، نام ائمه (عليهم السلام) ذکر شده و روایت هم صحیح است.

در **صفحه 531** ، **روایت 8** که روایت از امام باقر (عليه السلام) است ، زراره نقل مي کند و این روایت هم صحیح است.

در صفحه 532 ، روایت 10 که أبو حمزه ثمالی از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند ، این روایت هم صحیح است.

در صفحه 523 ، روایت 11 که حسن بن عباس بن جریبش از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند ، این روایت هم صحیح است.

در صفحه 533 ، روایت 15 که أبو بصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند ، این روایت هم صحیح است.

در صفحه 533 ، روایت 16 که زراره از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند ، این روایت هم صحیح است.

در صفحه 534 ، روایت 20 که محمد بن عمران از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند ، این روایت هم صحیح است.

ما اگر 2 یا 3 روایت صحیح داشته باشیم ، مسئله حلّ است. ولی ما در اینجا حدود 11 روایت صحیح داریم که صریحاً در رابطه با اسامی ائمه (علیهم السلام) است که خلفاء پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بعد از آن حضرت ، أمير المؤمنین (علیه السلام) تا حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هستند.

2. حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

در پایان این قسمت هم دوستان بیننده را توصیه می‌کنم به مطالعه کتاب **منتخب الأثر** تألیف حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی که در رابطه با حضرت ولی عصر (ارواحنا لثراب مقدمه الفداء) نوشته است و یکی از مراجع عظام تقلید می‌فرمود:

در تاریخ شیعه ، کتابی مانند منتخب الأثر تألیف نشده است.

بنده دیشب خدمت ایشان بودم و ایشان خیلی مشوق بنده هستند و شاید يك سري از توفیقات بنده ، محصول تشویقات این بزرگوار است. از جمله فرمایشات ایشان که خیلی برای من جالب بود ، این بود که ایشان به من فرمودند:

شما با این کاری که در این شبکه شروع کرده اید در نشر معارف اسلامی ، وظیفه ما را سبک کرده اید. اگر فردای قیامت از ما سؤال کنند که چرا شما تحرك نداشتید ، می‌گوییم که فلانی کافی بود و تکلیف از ما ساقط شده است.

الحق فرمایشات و تشویقات و رهنمودهای ایشان در رابطه با شبکه و پاسخ گویی به شبهات ، برای من خیلی ارزشمند بوده است.

در صفحه 99 کتاب **منتخب الأثر** ، 91 روایت ذکر کرده است که ائمه (علیهم السلام) 12 نفر

هستند و اولین آنها حضرت علي (علیه السلام) و آخرین آنها حضرت مهدي (علیه السلام) است.

در صفحه 105 همین کتاب ، 94 روایت ذکر کرده است که ائمه (علیهم السلام) 12 نفر هستند و آخرین آنها حضرت مهدي (علیه السلام) است.

در صفحه 124 همین کتاب ، 107 روایت ذکر کرده است که ائمه (علیهم السلام) 12 نفر هستند و 9 نفر از آنها از نسل امام حسین (علیه السلام) هستند و نهمین نفر آنها حضرت مهدي (علیه السلام) است.

در صفحه 143 همین کتاب ، 50 روایت ذکر کرده است که اسامي تك تك ائمه (علیهم السلام) ذکر شده است از علي بن أبي طالب (علیه السلام) و حسن بن علي (علیه السلام) و حسین بن علي (علیه السلام) تا آقا حضرت ولي عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) .

در صفحه 267 همین کتاب ، 148 روایت ذکر کرده است که حضرت مهدي (علیه السلام) نهمین فرزند امام حسین (علیه السلام) است.

در صفحه 279 همین کتاب ، 99 روایت ذکر کرده است که حضرت مهدي (علیه السلام) ششمین فرزند امام صادق (علیه السلام) است.

در صفحه 282 همین کتاب ، 98 روایت ذکر کرده است که حضرت مهدي (علیه السلام) پنجمین فرزند امام کاظم (علیه السلام) است.

در صفحه 285 همین کتاب ، 95 روایت ذکر کرده است که حضرت مهدی (علیه السلام) چهارمین فرزند امام رضا (علیه السلام) است.

در صفحه 288 همین کتاب ، 90 روایت ذکر کرده است که حضرت مهدی (علیه السلام) سومین فرزند امام جواد (علیه السلام) است.

در صفحه 290 همین کتاب ، 90 روایت ذکر کرده است که حضرت مهدی (علیه السلام) دومین فرزند امام هادی (علیه السلام) است.

در صفحه 291 همین کتاب ، 146 روایت ذکر کرده است که حضرت مهدی (علیه السلام) فرزند امام عسکری (علیه السلام) است.

318 روایت آورده است که حضرت مهدی (علیه السلام) عمر طولانی دارد.

14 روایت آورده است که ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) مخفی است.

19 روایت آورده است در مورد کسانی که حضرت مهدی (علیه السلام) را در آن 5 ، 6 سال کودکی اش زیارت کرده اند.

جناب حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مجموعاً 1941 روایت آورده است در رابطه با ولادت

حضرت مهدي (عليه السلام) و دلالت بر وجود حضرت مهدي (عليه السلام) و اين كه دوازدهمين
جانشين پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) است.

من نمي دانم در کدام يك از موضوعات ، 1941 روايت وارد شده است؟ من همه اين روايات را
شمارش کرده ام و اين آمار هم دقيق است و در مورد حضرت ولي عصر (ارواحنا لتراب مقدمه
الفداء) آمده است. آن وقت اين آقا يك سري حرف هاي دروغ به هم مي بافد و منكر وجود حضرت
مهدي (عليه السلام) مي شود!!!

* * * * *

آفای محسنی

در صحیح مسلم نقل شده است كه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و آله) فرموده اند: «جانشينان من
12 نفر هستند». اين روايت را هم براي بينندگان عزيز بفرماييد.

استاد حسيني قزويني

در صحیح مسلم، جلد 6، صفحه 4، حدیث 4603 نقل شده است كه پيامبر اكرم (صلي الله عليه و
آله) فرمود:

جالب این است که وقتی کلمه 12 خلیفه ذکر شد ، همان طور که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

قلم و کاغذی بیاورید تا من وصیت بنویسم.

سر و صدا کردند؛ در آنجا هم سر و صدا کردند. این که چه رمزی در این است ، شنونده باید عاقل باشد.

* * * * *

آقای محسنی

کلیپ بعدی آماده پخش است و آن را با هم می بینیم.

پخش کلیپ

این ثابت شد که مهدویت ، فکر مهدی ، فکر امام زمان ، يك موهومي بیش نیست ، اصلاً يك خرافه اي بیش نیست ، اصلاً وجود خارجي ندارد.

مجري:

ما روي هم رفته مي خواهيم به اين نتیجه برسيم که الآن مسلمانان با توجه به این که دو مرجع اساسي دارند ، يکي قرآن و ديگري سنت صحيح رسول الله (صلي الله عليه و سلم) و با استناد از تاريخ صحيح مي خواهند بدانند که در تمامي اينها آيا دليلي بر وجود مهدی هست يا نیست؟ خاصاً در قرآن مجيد که به عنوان يك حجت براي تمام مسلمانان جهان مطرح است. اگر امکان دارد ، در این بحث بیشتر توضیح بفرمایید.

کارشناس:

اصلاً و ابداً هيچ گونه وجودي. در قرآن که قطعاً هيچ گونه وجود نیست و تمامي مصادر تاريخي ثابت کرده اند که امام عسکري (رحمة الله و رضوان الله و سلام الله عليه) عقيم بوده و هيچ فرزندی ، نه پسر و نه دختر داشته است.

[پایان کلیپ]

خیلی وقیحانه صحبت کردند و گفتند که موضوع مهدویت موهوم است و ما چیزی را که الآن قبول داریم ، کتاب و سنت صحیح است. حتی از این آقای کارشناس هم سؤال شد که آیا در کتاب و سنت صحیح ، بحثی از حضرت مهدی (علیه السلام) و وجود ایشان داریم یا نداریم؟ ایشان هم خیلی وقیحانه ردّ کردند و گفتند امام عسکری (علیه السلام) عقیم بوده است.

در این مورد مطالبی را توضیح بفرمایید.

استاد حسینی قزوینی

الحق و الإنصاف ما باید قضاوت را بر عهده بینندگان عزیز بگذاریم تا آنها بیایند قضاوت بکنند. روایاتی که خود آقایان اهل سنت آورده اند در ذیل آیات قرآن ، دلیل بر دروغ بودن سخن این آقای کارشناس است.

آقایان اهل سنت به روایاتی استناد می کنند و می گویند مراد از **آیه غار** ، أبو بکر بوده است؛ با این که نامی از أبو بکر نیامده است. می گویند اگر کسی منکر این باشد که این آیه درباره أبو بکر است ، کافر و زندیق است. هم چنین می گویند **آیه إفك** مربوط به عایشه است. ما از این آقایان سؤال می کنیم که در کجای قرآن نام عایشه و أبو بکر آمده است؟ از کجا فهمیدید؟

بنده با توجه به بررسی هایی که داشتم ، حدود 250 آیه درباره حضرت مهدی (علیه السلام) است و حضرت آیت الله طیبسی هم که بیشتر از بنده در این زمینه تحقیق داشته اند ، چند شب پیش هم در همین شبکه برنامه داشتند ، فرمودند که 400 آیه در قرآن وجود دارد در منابع شیعه و سنی که به حضرت مهدی (ارواحنا فداه) تفسیر شده است. چطور شد که اگر حدیثی آمد که گفت مراد از آیه غار ، أبو بکر است ، اشکالی ندارد ، ولی اگر در آیه 33 سوره توبه که امامت می فرماید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا او را بر همه آئین ها غالب گرداند؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

اشکال دارد؟! در ذیل این آیه ، خود آقای امام قرطبی که از استوانه های تفسیری اهل سنت است ، می گوید:

و قال السدي: ذلك عند خروج المهدي لا يبقى أحد إلا دخل في الإسلام.

الجامع لأحكام القرآن للقرطبي ، ج 8 ، ص 121 - تفسير الكبير للرازي ، ج 16 ، ص 40 - تفسير البحر المحيط لأبي حيان الأندلسي ، ج 5 ، ص 34 - تفسير الثعلبي ، ج 5 ، ص 35 - تفسير ابن جوزي ، ج 3 ، ص 290

همان طور که عرض کردیم ، 1941 روایت در موضوع مهدویت در کتب شیعه و سنی آمده است. در مورد این همه روایات چه جوابی دارند؟ بر فرض 2 روایت دروغ است ، 3 روایت دروغ است ، صد

روایت دروغ است ، هزار روایت دروغ است ، آیا همه 1941 روایت دروغ و نادرست است؟! اینها به نوعی ایستادن در برابر حقایق است. این آقایانی که دم از قرآن و سند صحیح می زنند ، نسبت به بعضی از احکام ، مانند مسح در وضو و بحث متعه که نص قرآن است ، ولی آقایان به هیچ وجه سراغ این آیات نمی روند. به تعبیر یکی از مفسران اهل سنت به نام محمد رشید رضا که در **تفسیر المنار** می گوید:

این همه روایات در رابطه با مسح در وضو داریم ، ولی آقایان روایات را کنار گذاشته اند و می گویند ائمه ما مانند ابو حنیفه و مالک و شافعی و احمد بن حنبل ، چون گفته اند باید پا را شست ، ما هم باید پای خود را بشویم.

این قضایا کاملاً واضح و روشن است و اینها کاری به قرآن و سنت صحیح هم ندارند و آنچه که در ذهن خود به عنوان دین پذیرفته اند ، برای آنها همان ملاک است و اگر آیه ای یا روایتی برخلاف آن عقیده ذهنی آنها باشد ، باید تأویل شود و به نوعی تفسیر شود که مطابق نظرات و عقاید ذهنی این آقایان باشد.

* * * * *

آقای محسنی

سؤالی که برای خود من پیش آمد این است که این آقا فرمود: «مهدویت موهوم است» ، ما و

عمدتاً آقایان اهل سنت مهدویت را قبول داریم و بعضی از اهل سنت فقط معتقدند که حضرت مهدی (علیه السلام) متولد نشده است. ولی قائل هستند که يك منجي به نام حضرت مهدی (علیه السلام) مي آید و ظلم و بی داد را از بین می برد. ولی این آقا اصل مهدویت را منکر شده است!!!

استاد حسینی قزوینی

خود وهابیت و خود بن باز هم صراحت دارد که موضوع مهدویت ، يك موضوع قطعی است و روایات متواتری در این زمینه داریم و حتی بعضی از بزرگان اهل سنت گفته اند:

من أنكر المهدي فقد كفر.

این کارشناس برای نفي مهدویت ، به کتاب های شیعی استناد می کند که مثلاً علماء شیعه مانند شیخ کلینی (ره) گفته اند که مهدویت چنین و چنان است. این کارشناس نقل می کند از سعد بن عبد الله اشعری و توصیه می کند به بینندگان که: «بروند کتاب المقالات و الفرق سعد بن عبد الله اشعری شیعی را بخوانید و بدانید که ایشان منکر مهدویت است.»

واقعاً من نمی دانم چه بگویم؟! جز این که بگویم:

الحمد لله الذي جعل أعدائنا من الجهلاء.

شما بروید کتاب **المقالات و الفرق** سعد بن عبد الله اشعری را بخوانید و مطالعه کنید. در **صفحه**

و فرقه منها و هي المعروفة بالإمامية.

یکی از فرقه های شیعه ، فرقه معروف امامیه است.

بعد هم می گوید که امامیه می گویند:

فنحن متمسكون بإمامة حسن بن علي ، مقرون بوفاته ، مؤمنون بأن له خلفا من صلبه متدينون بذلك و أنه الإمام من بعد أبيه الحسن بن علي و أنه في هذه الحالة مستتر خائف مغمور مأمور بذلك ، حتي يأذن الله عز وجل له فيظهر و يعلن أمره . . . " و قوله بعد ذلك " وقد رويت الأخبار الكثيرة الصحيحة ان القائم تخفي علي الناس ولادته و يخمل ذكره . . . " .

ما معتقد به امامت امام عسكري (عليه السلام) هستيم و اقرار به وفات او داريم و معتقد هستيم که بعد از آن حضرت ، فرزندی به عنوان جانشینی او هست و ما هم به این قضیه تدبیر داريم و او امام ما بعد از امام عسكري (عليه السلام) است و او از نظرها پنهان است تا این که خداوند اجازه بدهد و ظهور کند

خود آقای سعد بن عبد الله اشعري به این شکل می گوید ، ولی این آقای کارشناس می گوید که سعد بن عبد الله اشعري منکر مهدویت است!

ما چیزی نمی‌گوییم ، چون مبنای اهانت نداریم ، مبنای جسارت هم نداریم ، ولی آنچه که زینده این آقا هست ، قضاوت با بینندگان عزیز است.

همان کاری که مرحوم علامه امینی (ره) ، مرحوم علامه حلی (ره) و مرحوم میر حامد حسین (ره) کرده اند و رفته اند از کتاب های آنها دلیل آورده برای اثبات حقانیت امیر المؤمنین (علیه السلام) و بطلان آنها ، این آقا تصور می کند که می خواهد آداء آنها را دریاورد و می خواهد توپ را به زمین طرف مقابل بیاندازد.

* * * * *

آقای محسنی

بحث ولادت امام زمان (علیه السلام) در کتب شیعه را به صورت مستدل بیان بفرمایید.

استاد حسینی قزوینی

الف (بحث ولادت امام زمان (علیه السلام) در کتب شیعه

روایت اول:

محمد بن یحیی، عن أحمد بن إسحاق، عن أبي هاشم الجعفري قال: قلت لأبي محمد عليه السلام: جلالتك تمنعني من مسألتك، فتأذن لي أن أسألك؟ فقال: سل، قلت: يا سيدي! هل لك ولد؟ فقال: نعم، فقلت: فإن بك حدث فأين أسأل عنه؟ فقال: بالمدينة.

محمد بن یحیی از أحمد بن إسحاق از ابو هاشم جعفری نقل می کند که می گوید: به امام عسکری (علیه السلام) گفتم: جلالت و بزرگی و جایگاه شما مرا از پرسش از شما باز می دارد، اجازه می فرمائید از شما سؤالی کنم؟ فرمود: بپرس. گفتم: آقاي من! شما فرزندی دارید؟ فرمود: بله، گفتم: اگر برای شما اتفاقی بیفتد، کجا بروم از او بپرسم؟ فرمود: در مدینه.

این روایت از نظر سندی کاملاً صحیح است. محمد بن یحیی عطار ثقة است و نجاشی او را توثیق کرده است و أحمد بن إسحاق قمي ثقة است و أبو هاشم جعفری هم ثقة است و نجاشی او را توثیق کرده است.

روایت دوم:

باز هم در کتاب **کافی**، جلد 1، صفحه 328 روایتی صحیح نقل شده است:

علي بن محمد ، عن محمد بن علي بن بلال قال: خرج إلي من أبي محمد قبل مضيه بستين يخبرني بالخلف من بعده ، ثم خرج إلي من قبل مضيه بثلاثة أيام يخبرني بالخلف من بعده.

علي بن محمد از محمد بن علي بن بلال نقل مي کند و مي گويد: از جانب امام حسن عسکري (عليه السلام) ، دو سال پيش از وفاتش پيامي به من رسيد که از جانشين بعد از خود به من خبر داد. بار ديگر سه روز پيش از وفاتش پيامي رسيد و از جانشين بعد از خود به من خبر داد.

روایت سوم:

این روایت از أبو غانم خادم است و مي گويد:

ولد لأبي محمد (عليه السلام) مولود فسماه محمداً و عرضه علي أصحابه يوم الثالث و قال: هذا صاحبكم من بعدي و خليفتي عليكم و هو القائم الذي تمتد اليه الأعناق بالانتظار ، فإذا امتلأت الأرض جوراً و ظلماً ، خرج فملاها قسطاً و عدلاً.

براي امام عسکري (عليه السلام) فرزندي به دنيا آمد و نامش را محمد گذاشت و در روز سوم ولادتش اين نوزاد را به أصحاب خود نشان داد و فرمود: اين ولي امر شما بعد از من است و جانشين من بر شماست و او همان قائمي است که تمام گردن ها به طرف او کشيده مي شود

در ایام انتظار و وقتی زمین پر از ظلم و جور شد ، او خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

کمال الدین و تمام النعمة للشيخ الصدوق ، ص 431 - جامع أحاديث الشيعة للسيد البروجردي ، ج 14 ، ص 568 - وسائل الشيعة (چاپ آل البيت) للحر العاملي ، ج 16 ، ص 243

این روایاتی بود که دال بر ولادت امام زمان (علیه السلام) داشت.

ب) شهادت حسّیه بر ولادت امام زمان (علیه السلام)

از طرف دیگر هم شهادت حسّیه داریم:

شاهد اول: حکیمه خاتون

خانم حکیمه خاتون که در همان حرم امام عسکری (علیه السلام) در سامراء دفن است ، دختر امام جواد (علیه السلام) ، خواهر امام هادی (علیه السلام) و عمه امام عسکری (علیه السلام) است و بزرگان ما از او این گونه تعبیر می گوید:

مرحوم شیخ کلینی (ره) هم در کتاب **کافی** ، جلد 1 ، صفحه 331 قضیه ولادت امام زمان (علیه السلام) را از زبان همین حکیمه خاتون نقل می کند.

مرحوم شیخ صدوق (ره) هم در کتاب **کمال الدین و تمام النعمة** ، صفحه 424 این قضیه را نقل می کند.

شاهد دوم: أبو عمرو عمري و فرزندش

دومین شاهد ، آقای أبو عمرو عمري است که از وکلای امام هادی (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام) بود و جلالت و وثاقت او در میان شیعه ، متفق علیه است و همه رجالیون در رابطه با ایشان می گویند:

العمري و ابنه ثقتان ، فما أدیا إلیک عنی فعنی یؤدیان.

و این جمله ، ضرب المثل سطوح عالی و دروس خارج فقه و اصول شیعه است.

مرحوم شیخ مفید (ره) در کتاب **الإرشاد** ، جلد 2 ، صفحه 351 از ایشان نقل می کند و می گوید:

من خودم حضرت مهدی (علیه السلام) را دیدم و قد رشیدی داشت.

هم چنین فرزند او ، محمد بن عثمان عمري از وکلای ائمه (علیهم السلام) است و ایشان هم نقل می کند:

من خدمت امام عسکری (علیه السلام) رسیده بودم و عرض کردم: من ایمان دارم ، ولی همان کاری که حضرت ابراهیم (علیه السلام) از خداوند خواست تا قلبش مطمئن شود:

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي

(به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟! عرض کرد: آری ، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد.

سوره بقره / آیه 260

من هم مي خواهم قبلم اطمینان داشته باشد و از صاحب این امر به من خبر بده. سپس حضرت مهدي (علیه السلام) را به من نشان داد و دیدم که قدي رشيد و تنومند دارد.

كمال الدين و تمام النعمة للصدوق ، ص 435

شاهد سوم: معاوية بن حكيم

آقاي معاوية بن حكيم هم نقل مي كند كه من حضرت مهدي (علیه السلام) را دیدم.

حدثني معاوية بن حكيم... : عرض علينا أبو محمد الحسن بن علي (عليهما السلام) و نحن في منزله و كنا أربعين رجلا فقال: هذا إمامكم من بعدي و خليفتي عليكم ، أطيعوه و لا تتفرقوا من بعدي في أديانكم فتهلكوا ، أما إنكم لا ترونه بعد يومكم هذا.

معاوية بن حكيم ... مي گوید: امام عسكري (علیه السلام) پسرش را در منزل خودش با حضور 40 نفر به ما نشان داد و فرمود: این امام شما پس از من و خلیفه من بر شماست. از او اطاعت کنید و پس از من در دین خود متفرق نشوید که هلاک خواهید شد. بدانید که بعد از این او را نخواهید دید.

كمال الدين و تمام النعمة للشيخ الصدوق ، ص 435

شاهد چهارم: يعقوب بن منقوش

آقاي يعقوب بن منقوش مي گويد:

دخلت علي أبي محمد الحسن بن علي عليهما السلام و هو جالس علي دكان في الدار و عن يمينه بيت عليه ستر مسبل ، فقلت له: يا سيدي! من صاحب هذا الامر؟ فقال: ارفع الستر ، فرفته فخرج إلينا غلام خماسي له عشر أو ثمان أو نحو ذلك ، واضح الجبين ، أبيض الوجه ، دري المقلتين ، شثن الكفين ، معطوف الركبتين ، في خده الأيمن خال و في رأسه ذؤابة ، فجلس علي فخذ أبي محمد عليه السلام ، ثم قال لي: هذا صاحبكم.

وارد بر امام عسكري (عليه السلام) شدم و او در منزلش بر نیمکت سنگي نشسته بود و در سمت راستش اتاقي بود که بر در آن پرده اي آویزان بود. به ایشان گفتم: سرورم! صاحب الأمر کیست؟ فرمود: پرده را بردار. آن را بالا بردم و پسر بچه اي که حدود 5 وجب طول او بود و سنّش 8 یا 10 سال بود با پیشانی نورانی و روی سفید و چشمانی درخشان ... بر گونه راستش خالی بود و بر سرش گیسوانی داشت ، بیرون آمد و بر زانوی پدرش امام عسكري (عليه السلام) نشست. آنگاه به من فرمود: این صاحب شماست.

کمال الدین و تمام النعمة للشيخ الصدوق ، ص 407

شاهد پنجم: محمد بن فارس نیشابوری

آقای ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری هم مانند همین قضیه را مطرح می کند.

مستدرک الوسائل للمیرزا النوری ، ج 12 ، ص 281

روایات متعددی وجود دارد که افراد متعددی ، حضرت مهدی (علیه السلام) را در دوران کودکی اش دیده اند.

شاهد ششم: تعداد زیادی از بزرگان شهرهای کشور اسلامی

مرحوم شیخ صدوق (ره) در **کمال الدین و تمام النعمة** ، صفحه 442 نقل می کند و می گوید:

تعدادی از بزرگان از بغداد و خراسان و نیشابور و قم خدمت امام عسکری (علیه السلام) رفته بودند و در آنجا وجود نازنین حضرت مهدی (علیه السلام) را به آنها نشان داد و فرمود: این فرزند من است و بعد از من ، امام شما و خلیفه من است.

ج (عقیقه کردن برای حضرت مهدی (علیه السلام))

هم چنین وقتی حضرت مهدی (علیه السلام) به دنیا می آید ، امام عسکری (علیه السلام) به وکلاء و شیعیانش دستور می دهد که گوسفندی یا قوچی را بکشند به عنوان عقیقه حضرت مهدی (علیه السلام) و به تمام شیعیان تقسیم بکنند به خاطر این که شیعیان یقین کنند حضرت مهدی (علیه السلام) به دنیا آمده و گوشت عقیقه او را خورده اند. این کار امام عسکری (علیه السلام) برای فرهنگ کردن موضوع وجود مقدس حضرت مهدی (ارواحنا فداه) است.

روایت اول:

آقای ابو جعفر عمری می گوید:

لما ولد السيد (علیه السلام) قال أبو محمد (علیه السلام) : ابعثوا إلي أبي عمرو ، فبعث إليه فصار إليه فقال له: إشتهر عشرة آلاف رطل خبز و عشرة آلاف رطل لحم و فرقه ، أحسبه قال: علي بني هاشم و عو عنه بكذا و كذا شاء.

چون حضرت مهدی (علیه السلام) متولد شد ، امام عسکری (علیه السلام) فرمود: به دنبال

ابو عمرو بفرستید تا بیاید. چون به دنبال او فرستادند و به نزد امام آمد ، به او فرمود: ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت خریداری کن. به گمانم فرمود: آن را میان بنی هاشم تقسیم کن و تعداد زیادی گوسفند از طرف او عقیقه کن .

روایت دوم:

ابراهیم که یکی از اصحاب امام عسکری (علیه السلام) است ، می گوید:

وَجَّهَ إِلَيَّ مَوْلَايَ أَبُو الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِأَرْبَعَةِ أَكْبُشٍ وَ كَتَبَ إِلَيَّ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، عُوِّ هَذِهِ عَنْ ابْنِي مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَ كُلُّ هَذَاكَ وَ أَطْعَمَ مِنْ وَجَدْتِ مِنْ شِيعَتِنَا.

امام عسکری (علیه السلام) 4 قوچ همراه نامه ای برای من فرستاد و در آن نامه نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم ، این گوسفندان را برای فرزندم محمد المهدي عقیقه کن و با گوارائی ، خود و هر کس از شیعیان ما را که یافتی بخورید.

بحار الأنوار للعلامة المجلسي ، ج 51 ، ص 28

خوشا به حال کسانی که از گوشت عقیقه حضرت مهدی (علیه السلام) را خوردند. اینها برای فرهنگ کردن ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) است.

دولت عباسی با چراغ موشی به دنبال امام زمان (علیه السلام) می گشتند. اگر واقعاً حضرت مهدی (علیه السلام) به دنیا نیامده بود و به قول این کارشناس معلوم شد که خانم صقیل باردار نیست و قضیه منتفی شد و وجود حضرت مهدی (علیه السلام) موهوم است ، پس این دولت عباسی به دنبال چه کسی می گشتند؟ بعد از این که امام عسکری (علیه السلام) از دنیا رفت ، تمام کنیزان آن حضرت را زندانی کردند و اصحاب آن حضرت را شکنجه کردند و حتی بعضی را به بدترین شکل شکنجه کردند تا محل مخفی شدن حضرت مهدی (علیه السلام) را به آنها نشان بدهند. ظاهراً در سال 1378 یا 1379 بود که در روزنامه ها نوشتند تعدادی از سربازان آمریکایی در عراق ، يك روحانی را که سید و نورانی بود را گرفتند به اتهام این که همان مهدی موعود است و مدتی هم زیر شکنجه نگه داشتند و بعد از این که متوجه می شوند اشتباه کرده اند و مشخصات او با مشخصات مهدی موعود تفاوت دارد ، او را آزاد کردند. جالب این که وقتی خواستند او را آزاد کنند ، نظامیان آمریکایی از او تعهد گرفتند که اگر از جایگاه آن مهدی موعود باخبر شد ، سریعاً آنها را در جریان بگذارد تا برای دستگیری او اقدام کنند.

این مطلب را هم خدمت بینندگان عزیز بگویم که در این سال های اخیر ، افرادی که ادعای مهدویت یا بابت کرده اند یا ادعا کرده اند فرزند حضرت مهدی (علیه السلام) یا نائب آن حضرت هستند ، همه شان دروغ پردازان و شیادانی هستند که می خواهند از این طریق ، جیب مردم را خالی کنند و در روایات صحیح داریم که هر کس بخواهد توقیت کند یا ادعای ارتباط ویژه با حضرت مهدی (علیه السلام) داشته باشد ، دروغگو هستند و باید آنها را تکذیب کرد. از این ادعاها در ایران و در کشورهای دیگر هم رخ داده است.

آقای محسنی

این مطالبی را که حضرت عالی پیرامون ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از کتب شیعه فرمودید ، آیا در کتب اهل سنت هم علماء بزرگ اهل سنت اشاره ای به این مطلب دارند؟

استاد حسینی قزوینی

در این زمینه ، کتاب های زیادی نوشته شده و تصریح کرده اند. محقق فرزانه ، جناب آقای فقیه ایمانی - که از علماء بزرگ بزرگوار اصفهان هستند و من هم شخصاً نسبت به ایشان ارادت فوق العاده ای دارم و ایشان از محققان گمنام شیعه هستند ، - کتاب های زیادی نوشته اند و در کتاب **الإصالة المهدویة فی الإسلام ، صفحه 81** اسامی 112 نفر از علماء اهل سنت را آورده است که صراحت دارند بر ولادت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) . هم چنین پژوهشگر توانا ، جناب آقای دکتر سید سامر عمیدی از فضلاء حوزه - که بنده هم در رساله دکترای ایشان در **دانشگاه بین المللی اسلامی لندن** به عنوان استاد داور شرکت داشتم ، - در کتاب **دفاع عن الکافی**، **جلد 1 ، صفحه 569** اسامی 128 نفر از علماء اهل سنت را آورده که صراحت بر ولادت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) دارند.

من نمی دانم این آقا با چه دل و جرأتی و با چه بی حیائی ای می گوید مسئله مهدویت موهوم و

خیالی است! اگر مسئله رعایت ادب نبود ، به ایشان ثابت می کردم که چه چیزی موهوم است تا بفهمد قضیه چیست تا این طور نسبت به عقاید شیعه جسارت نکند!

إقرار علماء أهل سنت بر ولادت حضرت مهدي (عليه السلام)

من اسامي چند نفر از علماء أهل سنت را می آورم که ولادت حضرت مهدي (عليه السلام) را قبول دارند:

1. ابن أثير جزري

جناب آقای ابن أثير جزري (متوفای 630 هجری) در کتاب **الکامل فی التاریخ** که از کتاب های مورد تأیید أهل سنت است ، در **حوادث سال 260 هجری** می گوید:

و فيها توفي الحسن بن علي ... و هو أبو محمد العلوي العسكري و هو أحد الأئمة الاثني عشر علي مذهب الامامية و هو والد محمد الذي يعتقدونه المنتظر.

الکامل فی التاریخ لابن الأثير، ج 7 ، ص 274

2. ابن خلکان

آقاي ابن خلکان (متوفاي 681 هجري) مورخ و علامه شهير أهل سنت مي گويد:

كانت ولادته يوم الجمعة منتصف شعبان سنة خمس و خمسين و مائتين.

ولادت او در روز جمعه ، نيمه شعبان سال 255 هجري قمری بود.

وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان لابن خلکان ، ج 4 ، ص 176

3. شمس الدين ذهبي

آقاي ذهبي در **تاريخ الإسلام ، جلد 19 ، صفحه 113 ، حوادث و وفیات 251 تا 260 هجري ، قضيه**

ولادت حضرت مهدي (عليه السلام) را در سال 255 هجري تصريح مي کند. در سير أعلام النبلاء

، جلد 13 ، صفحه 119 همين تعبير را دارد.

4. ابن حجر هيثمي

آقاي ابن حجر هيثمي در كتاب **الصواعق المحرقة** ، چاپ اول ، صفحه 124 همين تعبير را دارد.

5. خير الدين زركلي

جالب اين است كه آقاي خير الدين زركلي وهابي كه خدمت بزرگي به عربستان سعودي و وهابيت كرده است ، در كتاب **الأعلام** ، جلد 6 ، صفحه 80 در ترجمه حضرت مهدي (عليه السلام) مي گويد:

محمد بن الحسن العسكري (الخالص) بن علي الهادي ، أبو القاسم: آخر الأئمة الاثني عشر عند الإمامية و هو المعروف عندهم بالمهدي ... ولد في سامراء و مات أبوه و له من العمر نحو خمس سنين ... و قيل في تاريخ مولده: ليلة نصف شعبان سنة 255 و في تاريخ غيبته: سنة 265.

... وقتي پدرش از دنيا رفت ، او 5 ساله بود ... و در تاريخ تولد او گفته شده است: در شب نيمه شعبان سال 255 هجري بوده است و

آيا اينها كافي نيست كه اين آقاين مقداري از خواب بيدار بشوند؟! يا براي أمثال آقاي ملازاده ها كه شروع مي كنند به جسارت كردن و اهانت كردن و موهوم خواندن و در اين شبكه هم تعابير وقیحانه به كار مي برند ، آيا اينها كفايت نمي كند؟!

* * * * *

سؤالات بينندگان

سؤال 1 :

در رابطه با پسر مهزيار كه مي گویند خدمت حضرت ولي عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) رسیده اند ، توضیح بفرمایید.

جواب 1 :

إن شاء الله در این مورد ، در سر فرصت جناب آیت الله طیبسي صحبت مي كنند.

اما در مورد بحث هايي كه در مورد پسر مهزيار است ، آنچه كه در زبان هاي مردم است را بنده شخصاً اعتقاد ندارم ، ولي خود علي بن مهزيار مورد وثوق بوده و تشرفايي هم داشته به آن گونه اي كه در منابع شيعه آمده است ، نه با آن آب و تابي كه بعضي از منبري ها بيان مي كنند. بنده هر وقت

* * * * *

سؤال 2 :

1. بنده يك انتقادي از آقاي محسني دارم كه شما در يكي از جلسات قبلي كه مصادف با شب شهادت حضرت فاطمه زهراء (سلام الله عليها) بود ، شما در روخواني سؤال يكي از اهل سنت ، عمداً يا سهواً ، عمر بن خطاب را حضرت عمر خطاب كرديد و اگر واقعاً از روي عمد باشد ، بايد گفت «إنا لله و إنا إليه راجعون».

2. همان طور كه استحضار داريد ، شيعه در طول تاريخ مظلوم واقع شده است؛ از همان زمان رسول الله (صلي الله عليه و آله) تا امروز. 4 قرن پيش ، در غرب ايران ، سلطان سليم دستور داد مردان شيعه بين سنين 7 الي 70 سال را گردن بزنند و خارج از اين سنين را يك نشاني بر جبين بگذارند كه نشان دهنده رافضي بودن آنها باشد.

امروز هم عليرغم اين كه در جمهوري اسلامي ايران به عنايت آقا امام زمان (عليه السلام) شيعيان حاكم است ، باز هم ما واقعاً مظلوم واقع شده ايم. عنايت داريد كه تمام بمب گذاري ها در مناطق اهل سنت ، عليه عزاداري هاي ما صورت مي پذيرد ، اما باز هم اهل سنت در تمام مراكز قدرت نظام جمهوري اسلامي ايران حضور دارند ، حتي در سطح قواي حاكم نماينده دارند و هماهنگ با شيعيان حق

در رابطه با رسانه ها هم بنده چندین بار با شبکه ظلمت تماس گرفته ام و نگذاشتند صحبت کنم. ولی از این طرف ، شما به برادران اهل سنت ، بیش از ما وقت می دهید. آنچه که واقعاً جای تعجب است و ما را بسیار ناراحت می کند این است که کسانی از داخل کشور و از تهران ، از وهابیون با شبکه ظلمت تماس می گیرند که سابقه نمایندگی مجلس را دارند یا مولوی کوردل آنها ، مولوی وهابی عبد الحمید از بلوچستان با شبکه ظلمت تماس می گیرند و به شیعه توهین می کنند. بنده با مسئولیت خودم ، مصرّاً از مسئولین محترم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران انتظار دارم موارد مقتضی را در این مورد اعمال فرمایند.

جواب 2 :

ما از دوستان تقاضا داریم که مقداری مؤدب صحبت کنند و نسبت به مولوی ها این تعابیر را به کار نبرند. ما نقد خود را می گوئیم و مطالب علمی خود را مطرح می کنیم. در مورد واژه حضرت عمر هم بنده نمی دانم و معمولاً آقای عمر یا جناب عمر می گوئیم و اینها دلیل بر قبول داشتن آنها نیست. بحث های علمی و نقدهای ما سر جای خودش است و اگر الفاظی را به کار می بریم ، به عنوان تعظیم و قبول داشتن نیست. همان طور که ما دوست داریم آنها نسبت به ائمه (علیهم السلام) ما مؤدبانه صحبت کنند ، ما هم باید نسبت به بزرگان آنها مؤدبانه صحبت کنیم. بنده خودم دیشب در خدمت حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی بودم و روز قبلش هم خدمت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی بودم و چندی پیش هم خدمت حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی بودم و هر وقت این عزیزان بنده را دیدند ، توصیه کرده اند به مؤدبانه صحبت کردن.

سؤال 3 :

1. من مدتي است که 40 روز یا 40 جمعه که **زیارت عاشوراء** می خواندم ، در خواب به خدمت ائمه معصومین (علیهم السلام) می رسیدم. درباره خواب چه می فرمایید. این که بعضی از علماء می گویند خواب حجت نیست ، در این مورد توضیح بفرمایید.

2. احساس می کنم کمی ایمانم ضعیف شده است. مقداری راهنمایی بفرمایید.

جواب 3 :

اگر معصوم (علیه السلام) را در خواب ببیند و یقین داشته باشد که معصوم (علیه السلام) است و خیالات نباشد ، درست است. چون گاهی انسان خواب می بیند و تصور می کند که معصوم یا امام (علیه السلام) است و می گوید به من الهام شد که او معصوم (علیه السلام) بوده است ، درست نیست. اگر کسی خواب ببیند و یقین کند که او معصوم و امام (علیه السلام) است ، هیچ شك و شبهه ای نیست که خواب ائمه (علیهم السلام) تعبیر ندارد و خواب ، عین واقعیت است. بنده خودم هم که دیشب قبل خدمت حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی بودم ، خوابی را که چند شب پیش دیده بودم را خدمت ایشان عرض کردم و ایشان هم تأیید کردند.

خواب براي خود بيننده حجت است و براي ديگران حجت آور و الزام آور نيست. مگر اين كه خواب ،
پيامي داشته باشد كه مثلاً بايد هم چنين پيامي را به فردي بگويد و اگر آن فرد موثق باشد ، پيام هايي
كه امام (عليه السلام) در خواب صادر مي كند ، قطعاً حجت است.

2. از خود آقا رسول الله (صلي الله عليه و آله) سؤال كردند:

گاهي شيطان مي آيد و ما را وسوسه مي كند و ايمان ما ضعيف مي شود ، چه كنيم؟

حضرت فرمود:

أكثرُوا قولَ لا حولَ و لا قوةَ إلا بالله.

زياد بگويد: لا به حول و قوه إلا بالله.

هم چنين اين آيات را زياد بگويد:

وَ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ / وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

سوره مؤمنون / آيه 97-98

اللهم إني مؤمن بما آمن به محمد و آل محمد و كافر بما كفر به محمد و آل محمد.

خدایا! هر چه را که محمد و آل محمد به آن ایمان دارند ، من هم ایمان دارم و هر چه را که محمد و آل محمد به آن کافر شده اند ، من هم کافر هستم.

یعنی هر چه که حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهراء (سلام الله علیها) عقیده دارند ، ما هم به آن عقیده داریم. این برای تقویت ایمان و تقلیل وساوس خیلی اثر دارد. مقداری هم تلاش کنید کتاب هایی که مربوط به اعتقادات است را مطالعه کنید.

* * * * *

سؤال 4 :

1. وقتی حضرت موسی (علیه السلام) به قصر فرعون رفتند ، از هیچ زنی شیر نخوردند ، غیر از مادر خود. این برای من سؤال است که چرا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با این که در آغوش مادر خود بودند و مادر خود هم شیر داشتند ، چطور شد که از شیر دایه خود حلیمه خوردند و معلوم است که این دایه در آن زمان زنی مشرکه بودند. چطور يك پیامبر اولوا العزم از يك زن مشرکه شیر خورده است؟

2. در یکی از شبکه های ایران که هر جمعه يك استاد محترم و بزرگواري برنامه دارد ، فرمودند که امام حسن (عليه السلام) و امام حسين (عليه السلام) پشت سر مروان نماز خواندند. این برای من خیلی تأسف آور و دردناك بود. در این مورد توضیح بفرمایید.

جواب 4 :

1. این طور نیست. ما در روایات صحیح داریم و مرحوم شیخ کلینی (ره) در **کافی** ، **جلد 1** ، **صفحه 448** ، **حدیث 27** آورده است که امام صادق (عليه السلام) فرمود:

لما ولد النبي صلي الله عليه و آله مكث أياما ليس له لبن ، فألقاه أبو طالب علي ثدي نفسه ، فأنزل الله فيه لبنا فوضع منه أياما حتي وقع أبو طالب علي حليلة السعدية فدفعه إليها.

وقتي پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) متولد شد ، چند روز را بدون شیر به سر برد و أبو طالب آن حضرت را به سینه خود افکند و خدا هم در سینه او شیر جاری ساخت و تا چند روز از آن شیر می خورد تا این که أبو طالب ، حلیمه سعدیه را پیدا کرد و پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) را به او داد.

حلیمه سعدیه يك زن مؤمنه بود ، نه يك زن مشرك و كافر. این طور نبود که در جزیره العرب ، همه مشرك باشند. خود آقا حضرت أبو طالب (عليه السلام) هم از مؤمنین بوده است و حتی بعضی می گویند که از خلفاء و اوصیاء حضرت ابراهیم (عليه السلام) بود و عبادت داشت و به شریعت حضرت ابراهیم (عليه السلام) عمل می کرد. حلیمه سعدیه هم جزء زنان مؤمن بود و قطعاً نبی مکرم (

صلي الله عليه و آله) شير يك زن مؤمنه را خورده است. اين كه رمز و رموزش چيست ، ما نمي دانيم.

2. خير ، اين دروغ محض است و از بافته هاي بني آميه است. در بعضي از موارد آمده است كه نماز خواندند به نماز خودشان و أمير المؤمنين (عليه السلام) هم پشت سر خلفاء نماز مي خواند ، ولي نماز خودش را به صورت فرادي مي خواند:

و كان يصلي بصلاة نفسه.

* * * * *

سؤال 5 :

1. يكي از بينندگان زنگ زد و يك توهين به شيخ الإسلام مولوي عبد الحميد كرد و خيلي متأثر شدم از اين حرف بيننده اهل تشيع. چون ما اهل سنت اين برنامه را نگاه مي كنيم و دنبال مي كنيم. متأسفانه بعضي از بينندگان اهل سنت يا اهل تشيع احساس مي شوند و من خواهش مي كنم احساسات خود را کنار بگذارند. من احساس مي كنم اين برنامه مقداري از روال عادي خود منحرف شده است و به سمتي پيچيده كه شايد در آينده نزديك ايجاد اختلاف بکند. چون از حرف هايي كه پيش مي آيد ، شما را وادار مي كنند كه حرف هايي را بزويد و بيننده هم برداشت بد ي بکند.

2. شما که در بین اهل سنت بوده اید و کاملاً اهل سنت را درک می کنید و در مناطق اهل سنت با مولوی های بلوچستان و کردستان بوده اید و بیشتر با مولوی های بلوچستان در ارتباط هستید ، من از شما سؤال دارم و می خواهم که واقعاً از روی تحقیق و درک خود جواب بدهید که آیا اهل سنت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیشتر دوست دارند یا حضرت عمر را؟

3. شما که از کتب اهل سنت ، از **صحیح مسلم** و **صحیح مسلم** ، دلیل های خود را بیان می کنید ، آیا **صحیح بخاری** و **صحیح مسلم** کتاب هایی بوده اند که نویسندگان آن بر اساس حقیقت و واقعیت نوشته اند یا بر اساس دوگانگی؟ اگر حقیقی است و شما از آنها مثال می زنید ، آیا قبول شان دارید و مثال می زنید؟ اگر قبول ندارید ، نباید از آنها مثال بزنید؛ چون دوگانگی ایجاد می شود. مثلاً کتابی هست به عنوان **کافی** در اهل تشیع و من سنی به خاطر این که در آن شبهاتی هست و چون من آن شبهات را بررسی کرده ام و قبلاً که من در **شبکه سلام** از آقای قزوینی سؤال کرده بودم در مورد شبهاتی که در کتاب **کافی** هست ، گفتند این شبهات در کتاب های اهل سنت هم هست. من که جوان سنی هستم و الآن این برنامه را نگاه می کنم و بعد به این کتاب ها مراجعه می کنم ، آن شبهه ای که در کتاب های اهل سنت هست ، آن کتاب ها و نویسندگان اش را من قبول ندارم. به خاطر این که عقل من آن دلیل و مدرک را قبول نمی کند. مثلاً در کتاب **کافی** روایتی در مورد تحریف قرآن آمده است. چون حضرت استاد فرموده اند که در کتاب های اهل سنت هم تحریف قرآن آمده است و من به خاطر این که قبول داریم قرآن به هیچ عنوان قابل تحریف نیست ، آن کتابی که برای اهل سنت است و نوشته شده که تحریف قرآن وجود دارد ، به هیچ عنوان نه کتاب را قبول دارم و نه نویسندگان اش را. پس چون من آن کتاب را قبول ندارم ، آقای قزوینی هم به نظر من نباید از **صحیح مسلم** و **صحیح بخاری** دلیلی بر حقانیت آن حرفی که می زنند بیاورند. چون من آن کتاب را قبول ندارم.

1. بنده هم اعتراض کردم و تذکر دادم.

2. این که اهل سنت ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را بیشتر قبول دارند یا عمر و أبو بکر را؟
من گمان نمی کنم کسی در اهل سنت پیدا شود که بگوید من عمر و أبو بکر با بیش از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) قبول دارم. این يك قضیه قطعی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای همه يك جایگاه ویژه ای دارد. ولي يك سري بحث ها در کتاب هاي اهل سنت آمده در رابطه با تعامل خلیفه دوم با نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) و اینها جای سؤال و شبهه است. مثلاً وقتی ابن حجر عسقلانی در قضیه عبد الله بن أبي نقل می کند:

عمر به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اعتراض کرد که چرا بر او نماز می خوانی؟ مگر خداوند نفرموده است که نماز نخوان؟ بعد هم جبرئیل نازل شد در تائید عمر و مخالفت با پیامبر (صلی الله علیه و سلم) آیه نازل کرد.

ایشان می گوید:

پیامبر (صلی الله علیه و سلم) هم اجتهاد کرد ، عمر هم اجتهاد کرد و معلوم شد که اجتهاد عمر صحیح بوده است.

این را ما نمی توانیم بپذیریم. طبق آیه قرآن که می فرماید:

سوره نجم / آیه 3-4

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) رفتار و گفتارش صحیح است.

ولي در مجموع ، ما فرمایش ایشان را تأیید مي كنم و أهل سنت ، پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) را بیش از همه قبول دارند.

3. این که ما به بعضی از عبارت **صحیح بخاری** و **صحیح مسلم** استناد مي کنیم ، از باب:

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

سوره نحل / آیه 125

است. این يك قانون كلي است که « **إقرار العقلاء علي أنفسهم جازر أو نافذ** ». مثلاً الآن بنده با آقای محسنی به دادگاه رفته ایم و آقای محسنی می گوید: «این عبائی که بر دوش آقای قزوینی است برای من است و عبائی که بر دوش من است ، برای آقای قزوینی است». من هم می گویم: «ایشان دروغ می گوید که عبای من برای ایشان است». قاضی هم عبای آقای محسنی را می گیرد و به من می دهد ، ولي عبای من را به ایشان نمی دهد. چرا؟ چون آقای محسنی يك ادعا کرده و يك اعتراف و

گفت «این عبائی که بر دوش من است ، برای آقای قزوینی است» و اعتراف کرده است که این عباء برای آقای قزوینی است و قاضی هم می گوید که خودت اعتراف کردی که این عباء برای آقای قزوینی است و باید به او بدهی. از طرف دیگر هم گفته است «عبائی که بر دوش آقای قزوینی است ، برای من است» و این يك ادعا است و باید برای آن دلیل و بیّنه بیاورد. این يك قانون کلی است. هر کجا مطلبي باشد به ضرر فرد ، حاکم آن را قبول می کند و هر جا که به نفع فرد باشد ، حاکم قبول نمی کند.

شما که بحث تحریف را پیش آورده اید ، در کجای کتاب **کافی** پیدا کرده اید که با سند صحیح آورده باشد قرآن تحریف شده است؟! يك روایت صریحی برای ما بیاورید. ما بارها گفته ایم در **صحیح مسلم**، **جلد 3 ، صفحه 100** از قول آقای أبو موسی اشعري و از قول آقای عمر بن خطاب و دیگران نقل کرده اند:

ما سوره ای را شبیه مسبّحات می خواندیم ، ولی در قرآنی که موجود است ، این سوره حذف شده است.

هم چنین در **صحیح مسلم**، **جلد 4 ، صفحه 167** از قول عایشه نقل می کند:

كان فيما أنزل من القرآن عشر رضعات معلومات يحرمن ، ثم نسخن بخمس معلومات ، فتوفي رسول الله صلى الله عليه و سلم و هن فيما يقرأ من القرآن.

آنچه که در قرآن آمده ، در ده جا شیر دادن موجب تحریم می شود ، سپس نسخ شد به 5 شیر

دادن و وقتی رسول الله (صلي الله عليه و سلم) از دنیا رفت ، اینها جزء قرآن بود ، ولي
الآن نیست.

این نشان می دهد که به عقیده ایشان ، این قرآنی که موجود است ، غیر از قرآنی است که در زمان
نبی مکرم (صلي الله عليه و آله) وجود داشت.

* * * * *

سؤال 6 :

1. این که فرمودید تاریخ تولد امام زمان (علیه السلام) در کتاب های اهل سنت وجود دارد و آنها نمی
توانند ادعا کنند که روایاتی ندارند ، آیا آنها با اعتقاد این مطالب در کتاب های خود آورده اند یا صرفاً
نقل قول از شیعیان کرده اند؟ اگر صرفاً نقل قول از شیعیان باشد ، ما نمی توانیم آن را قبول کنیم.

2. آیا نویسنده کتاب **تاریخ یعقوبی** شیعه بوده اند یا سنی؟

جواب 6 :

1. خیر ، قطعاً از شیعیان نقل قول نکرده اند. هیچ کدام از مطالبی که بنده ذکر کردم ، از شیعیان نقل
قول نکرده اند.

2. ظاهراً شیعه بوده است و به نظر من هم شیعه است.

* * * * *

سؤال 7 :

در مورد خطبه 80 نهج البلاغه که چند خط بیشتر نیست ، لطف کنید بخوانید و نظر خود را بدهید و نظر حضرت علي (علیه السلام) را در مورد زنان بیان کنید.

جواب 7 :

أمیر المؤمنین (علیه السلام) این خطبه را بعد از جنگ جمل که توسط عایشه ، همسر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به راه افتاد ، بیان فرمود و مردم به دنبال این بودند که اطراف يك زن جمع شوند ، زنی که خداوند جهاد را از او برداشته است و امامت و قضاوت و أمثال آن را از او برداشته است و برای این که مقداری ذهن مردم از آن آلودگی ها پاک شود ، فرمود:

معاشر الناس! إن النساء نواقص الإيمان ، نواقص الحظوظ نواقص العقول. فأما نقصان إيمانهن فمعهن عن الصلاة و الصيام في أيام حیضهن و أما نقصان حظوظهن فمواربتهن علي الانصاف من مواربث الرجال و أما نقصان عقولهن فشهادة امرأتین كشهادة الرجل الواحد. فاتقوا شرار النساء و كونوا من خيارهن علي حذر و لا تطيعوهن في المعروف حتي

اي مردم! همانا زنان در مقايسه با مردان ، در ايمان و بهره وري از اموال و عقل متفاوت هستند. اما تفاوت ايمان بانوان در بر کنار بودن از نماز و روزه در ايام «عادت حيض» آنان است و اما تفاوت عقل زنان با مردان بدان جهت است كه شهادت دو زن برابر شهادت يك مرد است و علت تفاوت در بهره وري از اموال هم آن است كه ارث بانوان نصف ارث مردان است. پس ، از زنان بد بپرهيزيد و مراقب نيكان شان باشيد و در خواسته هاي نيكو ، همواره فرمانبردارشان نباشيد تا در انجام منكرات طمع ورزند.

أمير المؤمنين (عليه السلام) علت اين مطلب را مي فرمايد. يعني وقتي زنان حدود 10 روز خداوند را عبادت نمي كند و انس با خداوند ندارد ، در حقيقت يك خلثي ايجاد مي شود. مطالب ديگري هم كه در اينجا هست ، مربوط به مورد خاصي است تا أمير المؤمنين (عليه السلام) مردم را بر حذر كند تا اگر روزي عايشه يا يك زن ديگري آمد و جنگي را به راه انداخت ، مردم به اطراف او نروند و زير پرچم او سینه نزنند. قبل از اين خطبه هم آمده است:

بعد حرب الجمل.

يعني بعد از پايان جنگ جمل ، أمير المؤمنين (عليه السلام) اين خطبه را خواند.

* * * * *

در مورد آقای برقعی توضیح بفرمایید که چه کسی بوده است؟ آیا واقعاً در آخر عمرش سنی شده است که تمام این حرف هایش را در شبکه های مختلف می زند؟

جواب 8 :

خیر ، آقای برقعی سنی نشده بود و به خیال این که با خرافات مبارزه می کند ، يك سري مطالب نادرستی را بیان کردند و ایشان را از حوزه علمیه قم بیرون کردند و به تهران رفت و از آنجا هم بیرون کردند و آقایان فقهاء و مراجع هم ایشان را طرد کردند و عاقبت هم در روستای کن در اطراف تهران در منزل پسرش سکونت کرد و در آخر عمر هم در وصیت نامه ای خود نوشتند که « **من معتقد به امامت 12 امام هستم** » و وصیت کرد که « **مرا در امام زاده شعیب (علیه السلام) که در روستای کن هست ، دفن کنند** ». الآن هم ایشان در همان جا دفن شده است و این هم بهترین دلیل است بر این که ایشان سنی نبوده است و شیعه بوده است.

یکی از شاگردان ایشان و کسی که يك عمر با ایشان بوده ، جناب آقای حسینی ورجانی را دعوت کرده ایم تا این شاء الله برنامه هایی در **شبکه جهانی ولایت** داشته باشند. ایشان 18 سال با اینها بوده و مبلغ اینها بوده است؛ با برقعی و طباطبائی ناصبی و غیره. وقتی هم متوجه می شود تمام کار اینها غلط و اشتباه است و مردم را فریب می دهند ، سؤالاتی برایش پیش آمد و از آنها سؤال کرد و آنها هم نتوانستند جواب بدهند و برگشت شیعه شد و الآن هم علیه اینها افشاءگری می کند. این شاء

الله ما برنامه هايي را با حضور ايشان برگزار خواهيم كرد و دوستان هر سؤالي را كه نسبت به آقاي برقيقي دارند ، از ايشان پيرسند.

* * * * *

سؤال 9 :

ارمني ها و يهودي ها مي گویند كه امام زمان (عليه السلام) در سال 255 هجري متولد شده است و همه قبول دارند و اين شبکه ظلمت اين مطلب را قبول ندارد. من شنیده ام كه آقاي قزويني مرتب مي گویند كه من بليط مي گيرم و خرج شما را مي دهم كه يا بياييد اينجا يا من بيايم آنجا تا اين مناظره صورت بگيرد. اينها هم از اين طرف مي گویند كه ما از آقاي قزويني و **شبکه جهاني ولايت** مي خواهيم ، ولي نمي آیند. يك داور مشخص كنيد تا اين برنامه را هماهنگ كنند تا ثابت كنيد تولد آقا امام زمان (عليه السلام) را.

جواب 9 :

بينندگان عزيز اين را توجه داشته باشند كه وقتي ما مي گويم آماده مناظره هستيم ، اين طور نيست كه با هر علقه مضغه اي مناظره كنيم. مثلاً آقاي عبد الله حيدري آمد و تقريباً مؤدب حرف مي زد ، گرچه گاهي هتاكه هم مي كرد و خيلي منم منم مي كرد ، ما گفتيم كه چون ايشان به عنوان كارشناس اين شبکه است ، ما آماده مناظره با ايشان هستيم. ديگر كارشناساني كه اين شبکه مي آورد ، مانند

همین آقایی که از لندن تماس می گیرد و هتاک می کند ، من اصلاً ارزشی برای این آقا قائل نیستم که بخواهم با او مناظره کنیم و شاگرد شاگردم را هم اجازه نمی دهم با ایشان وارد مناظره بشود. چون ایشان خیلی پست تر از این است که بخواهیم با ایشان مناظره کنیم. ولی دیگر کارشناسان این شبکه که مؤدب هستند ، ما آمادگی کامل برای مناظره داریم که یا به **شبکه جهانی ولایت** تشریف بیاورند یا به ما اجازه بدهند به آنجا برویم. آنها تا به حال از ما دعوت نکرده اند و نگفته اند که ما با آقای فلانی آماده هستیم. ما نزدیک به 10 ماه است که آنها را به مناظره دعوت می کنیم و گفته ایم که نامش را مناظره نمی گذاریم و گفت وگویی دوستانه و صحبت دوستانه یا نشست دوستانه می نامیم. این آقایان بیایند و ما هم بیاییم در این نشست دوستانه با هم صحبت کنیم و آنها هم حرف خود را بزنند و ما هم حرف خود را بزنیم. آنها تا به حال جوابی به ما نداده اند.

* * * * *

آقای محسنی

به دلیل زیاد بودن تماس های تلفنی ، باید يك وقتي را به صورت مجزا ، فقط براي پاسخ دادن به تماس های تلفنی اختصاص بدهیم. مثلاً یکشنبه ها را مخصوص تماس های بینندگان عزیز بگذاریم.

استاد حسینی قزوینی

ما حرفی نداریم ، شما يك وقتي را معین کنید برای این برنامه. بنده خودم معتقدم که اگر به سؤالات

دوستان پاسخ بدهیم ، شاید تأثیر بیشتری داشته باشد. بحث هایی که الآن شروع می کنیم هم عمدتاً برمی گردد به پاسخ گویی به شبهات و اینها هم باید جواب داده شود.

من بارها گفته ام که اگر ما امروز بخواهیم يك واجب عيني تعيني تعيني فوري پیدا کنیم ، مصداقش همین پاسخ گویی به شبهات است. شبهات تأثیر دارد و وقتی امام عسکری (علیه السلام) احساس می کند که در يك شهري ، يك مسیحي کاري می کند یا یکی از افراد منحرف شبهه ایجاد می کند ، به شاگردانش تشر می زند و می فرماید:

أما فيكم رجل رشيد ... ؟!

آیا شما يك انسان رشيد و قهرمانی ندارید که برود به این شبهات جواب بدهد؟

مناقب آل أبي طالب لابن شهر آشوب ، ج 3 ، ص 526 - بحار الأنوار للعلامة المجلسي ، ج 10 ، ص 392

امام صادق (علیه السلام) ، امام باقر (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) هم به همین شکل بودند و یکی از دغدغه های ائمه (علیهم السلام) پاسخ گویی به شبهات بود. لذا امروز هم که عصر رسانه است و جنگ هم جنگ رسانه ای است و هر روز ، شبکه های وهابی مانند قارچ از زمین می رویند و ما هم إبائی نداریم از رشد این شبکه های اهل سنت و از خدا هم می خواهیم که فعالیت داشته باشند و اگر واقعاً آقایان اهل سنت شبکه ای راه اندازی کنند ، بنده حاضرم در حدّ وُسع خود به آنها کمک و راهنمایی کنم تا بیانند فرهنگ اهل سنت را منتشر کنند و ما مخالف نشر فرهنگ اهل سنت نیستیم؛ شبکه ای که عزیزان اهل سنت در رأس آن باشند ، نه وهابیت و آنهایی که زیر پرچم

عربستان سعودي سینه مي زنند. ما با نشر فرهنگ وهابيت مخالف هستيم که الفباي فکري وهابيت ، آدم کشي است ، نه شيعه کشي. ما با اين فرهنگ مخالف هستيم و در اين زمينه هم تلاش مي کنيم به آنها جواب بدهيم. اگر بتوانيم ، از هفته هاي آینده بحث خود را حدود 20 دقيقه دنبال مي کنيم و باقي وقت را به تماس بينندگان عزيز اختصاص مي دهيم و چون خيلي وقت است که پيام هاي بينندگان عزيز را هم نمي خوانيم ، دوستان از ما گلایه مي کنند و وقتي را هم به آنها اختصاص مي دهيم.

* * * * *

* * * * *

* * * * *

««« والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته «»»»